داکتر هاشمیان ۲۰۱٤/ ۰۸ / ۲۷

قابل توجه زبانشناسان و جامعه شناسان افغان
تبصره بالای دو مقالهء دو دانشمند پیرامون تجویز "استندرد سازی زبان"

قسمت اول:

خوشحالم ازینکه می بینم دانشمندان افغان به انکشاف زبانهای ملی خود علاقمند میباشند. مقالهء محترمه میرمن صالحه واهب واصل پیرامون پیشرفت سریع در رشتهء تکنالوژی اطلاعاتی که بسیار خوب و عام فهم نوشته شده و مورد تقدیر نویسندگان نیز قرار گرفته، و مقالهء دیگری بقلم محترم انجنیر قیس کبیر، هر دو در ضمن اعتناء به پیشرفت سریع و کثرت مواد خام تکنالوژی کمپیوتری، اول الذکر بالای " ضرورت استندرد سازی جدید برای زبانهای ملی ما " و دومی بالای " اهمیت استندرد سازی زبان" با استفاده از همگون ساختن (سوند-صوت) سفارش نموده اند. این دو دانشمند محترم از من تقاضاء کرده اند تا پیرامون "استندرد سازی زبان"، از زاویهٔ علم زبانشناسی اظهار نظر نمایم.

با اظهار تشکر و امتنان از حسن نظر دو دوست دانشمندم، عرض میشود که من در ساحهء استفاده از کمپیوتر در صنف اول هم پذیرفته نمی شوم، دو صفحهٔ اول توضیحات تخنیکی مقالهء میرمن واهب واصل را خواندم و از پیشرفت سریع درین ساحهء تخنیکی با یکعده "اصطلاحات کمپیوتری" بار اول آشنا شدم، اما به اصطلاح، با جادوگری ها و طرز تطبیق بیشماریکه درین تکنالوژی کار آمد و سریع السیر انکشاف کرده، در فرصت کمی که برای دوام حیات من باقیمانده، شاید تا دم مرگ آشنا شده نتوانم.

من از کمپیوتر فقط ایمیل های خود را میخوانم و از صفحهٔ (word) آنهم با مشکلات استفاده می کنم. عجالتاً در مورد یک اصطلاح منتشرهء کامپیوتری پیشنهادی دارم:

اصطلاح (Text to speech) که (متن برای نطق) ترجمه شده، باید به (متن برای گفتار) تعویض شود، زیرا از زاویهٔ معانی بین (نطق) و(گفتار) تفاوت زیاد وجود دارد، علاوتاً کلمهٔ (speech) همیشه (گفتار) ترجمه شده است.

اکنون از صفحهٔ سوم مقالهء محترمه میرمن واهب واصل پاراگراف اول آنرا که محتوی مسایل قابل بحث میباشد اقتباس میکنم. ایشان میفرمایند: " زبانهای ما نظر به پیشرفت تخنیک همه روزه ضرورت بیشتر به انکشاف و توسعه پیدا میکند. زیرا استندرد های که ما از سالیان بسیار دور تا امروز در نوشتن و خواندن زبان خود مورد استفاده قرارداده ایم دیگر برای این تخنیک پیشرفتهٔ تکنالوژی امروز جوابگو نیست و به کمک زبانهای کامل و با قدامت ضرورت داریم تا بتوانیم زبان را از عقیم بودنش در تکنالوژی آپریتنگ سیستم امروز و همچنان از تهاجم زبانهای بیگانه نجات دهیم. تنظیم زبان در آپریتنگ سیستمها منحصر به فرد شده نمیتواند زیرا زبان یک مملکت هم منحصر به فرد نبوده و یک سرمایهٔ ملی و جامعهٔ مردم است."

پیرامون تجویز "معیاری ساختن مجدد زبانهای ملی ما " خاطرنشان میشود که زبانهای ملی ما هرگز در گذشته معیاری نشده اند، و هرگاه صحبت از معیاری ساختن یک زبان بمیان می آید، اولتر باید ساحهء آن تشخیص شود، زیرا زبان پدیده ایست با ابعاد متعدد که همه ابعاد آن معیاری شده نمیتوانند.

علم زبانشناسی انکشاف زبان را در چهار مرحله تشخیص نموده است:

مرحلهء فهمیدن (comprehension) زبان:

اطفال دارای صحت نورمال در سن دو سالگی زبان مادری خود را از محیط خانواده می آموزند- ابتداء با اشارات مخابره میکنند، مفاهیم (امر)،(نفی) و(تقاضا) درین اشارات شامل اند- این مرحله در اطفال نورمال تا

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

سن سه سالگی تکمیل میشود، یعنی کلمات زبان از قبیل (مامی)، (بته !)، (نی - نفی) (او - اشاره به هر چیز) بتدریج از زبان طفل شنیده میشود.

مرحلهء (speech) یا گفتار زبان:
این مهمترین مرحلهء انکشاف زبان در اطفال نورمال بعد از سن سه سالگی مشاهده شده، طفل درین سن به تدریج از کلمات زبان خود کلمات مرکب و جملات کوتاه ساخته میتواند، و در سن چهار سالگی به سویهٔ یک طفل بزبان خود مسلط میشود. دستور، قواعد بیان گفتار زبان، در همین مرحله به صورت طبیعی در دماغ طفل انکشاف میکند – هر طفل قواعد مغلق دستور زبان خود را به صورت طبیعی و بدون آموزگار یاد میگیرد.

مراحل**(فهمیدن و گفتار)** زبان که طفل را بالای قواعد مغلق دستور زبان مسلط میسازد، مفاهیمی از قبیل زمان (حال، ماضی و آینده)، نظم جمله (مسند و مسندالیه و متعلقات آنها)، عدد (مفرد، جمع و امثالهم)، عطیهء خداوندیست به دماغ بشر که به همین مناسبت او را "خلیفه الارض" خوانده است. در باب ظهور گفتار و انکشاف گفتار در زبان طفل صدها رسالهٔ داکتری و صدها کتاب نشر شده، و علم زبانشناسی بالای زبان گفتار اتکاء داشته، تحقیق و تحلیل زبان را بالای زبان گفتار اجراء میکند.

مرحلهء سوم آموزش زبان (خواندن زبان – reading) است .

مرحلهء چهارم (نوشتن زبان – writing) است.

این دو مرحله کسبی بوده از داخل خانه گرفته تا مسجد، مدرسه و مکتب، آموخته میشود. علم زبانشناسی زبان مکتوب (زبان نوشتار) را "تصویر نادرست زبان گفتار" پنداشته، تحقیقات علمی خود را همیشه بالای زبان گفتار انجام میدهد، زیرا در زبان گفتار اصوات (علم الاصوات) شامل است و تحقیق بالای اصوات زبان سهل تر و واضح تر از طریق زبان گفتار میسر است نه از طریق زبان نوشتار. بانک جهانی اصوات زبان دارای ۷۲ صوت است و هر زبان سهم صوتی خود را از این بانک میگیرد. نکتهء مهمتر برای رجحان زبان گفتار اینست که تا کنون حدود نیم نفوس بشر در کرهٔ زمین بیسواد میباشند- علاوتاً هیچ رسم الخط (الفبا ها و اشکال مختلف زبان نوشتار) ارزش واقعی اصوات زبان گفتار را در بر نداشته، بلکه رویت تمثیلی دارند. مثالهای درین باره در صفحات بعدی ارائه خواهند شد.
زبان نوشتار در کشور های که سواد آموزی در آنجا تعمیم نیافته، شکل زبان عامیانه و زبان فولکلوریک را اختیار کرده، یعنی آنچه بشکل عامیانه و فولکلوریک نوشته میشود خوبتر از زبان گفتار عامهٔ مردم نمایندگی میکند. عدهء زیاد دری زبانها که اندک سواد را از محیط خانواده یا از مسجد و یا از چند صنف ابتدائی یاد گرفته اند افکار و خاطرات خود را بشکل عامیانه و فولکلوریک مینویسند. صحبت عجب خان و رجب خان و داستان رفتن عجب خان در موتر سرویس بمزار شریف که در مقاله ای به عنوان "یادی از گذشته ها که وطن داشتم" بقلم توانای انجنیر احسان الله مایار (قصداً و نمونه وار بشکل فولکلوریک) نشر شده، یک نگارش اعلی فولکلوریک است که اگرچه املاء کلمات عربی در اکثر موارد سالم مانده، اما اگر جناب انجنیر مایار میخواست همه کلمات عربی دارای (ص) را به (س) و همه کلمات دارای (ط) را به (ت)مینوشت، بازهم هر خوانندهٔ افغان (به شمول کمسوادان)، این داستان را از الف تا (ی) با مزه میخواند، و همه مفاهیم دخیل در جملات و عبارات مقاله را از لحاظ معانی درک میتوانست.

این نمونهٔ عالی نگارش فولکلوریک بیانگر این واقعیت است که "املاء" در امر مخابره و افهام و تفهیم چندان رولی بازی نمیکند. چند جملهٔ این مقالهء شش صفحه ای را درینجا اقتباس میکنیم:

" خوده ده کوچه حسن چپ نزن، مادر نقشو به مادر اولادایم خو وقتش گفته که ده کدام جای زیارت رفته بودی.."
از سر همی تبنگ ازمی بیادر چند دانه ازمی انار بی دانه تگو ام خو میگیریم طبیعت چه میگه ؟ "
" قدما مانده نباشه... دیر موده شده... که مالوم تان نیس ..."

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ

" راستیش پرسان کنی عجب چاینکیست، تو بگی امی گرده گکه که خوب مزه میته، ای دمبه گکها فقط بگویی که جدا جدا ججق شده باشه..."
یک نمونه دیگر از نگارش عامیانه که در آن املاء اصوات عربی به اصوات دری تبدیل شده، یعنی (ص)(س)، (ض)(ز)، (ط)(ت) تبدیل شده، بمنظور نشان دادن اهمیت معنی در نظم کلام، و بی اهمیت بودن املاء، ذیلا تقدیم میشود:
"آستا آستا ترف شودا روان شدیم، وختی بزیارت ازرت انسار سّیب رسیدیم، ده یک گوشه مردم اُرس میکدن، گفتن سالگرد میرسایب قساب کوچه اس، مالم سایب ریازی ما هم ده اونجه بود، سلام کدیم، دست وروی خوده ده اوز ششتیم، تیر شدیم ترف ادیره خود ما رفتیم ..."
(آهسته آهسته طرف شهدا روان شدیم، وقتی به زیارت حضرت انصار صیب (صاحب) رسیدیم، در یک گوشه مردم عُرس میکردند، گفتند سالگرد میرصاحب قصاب کوچه است، معلم ریاضی ماهم در آنجا بود، سلام کردیم، دست و روی خود را در حوض شستیم، تیر شدیم طرف حضیرهٔ خود ما رفتیم ...)
این شکل نگارش بیانگر این واقعیت است که افغانها در زبان گفتار اصوات عربی (ص، ض، ط، ظ، ح، ع) را از مخرج اصوات معادل زبان خود تلفظ میکنند، مثلا: حضرت (ازرت)، حظیره (ادیره)، (معلم)مالم، صاحب (صیب) سّیب - ازینجاست که اگر املاء کلمات عربی را با معادل آنها در زبان دری تغییر بدهیم(مثلا در نمونهٔ بالا)، دری زبان معنی آنرا میفهمد – عدم اعتناءِ مردم به املاء (در نگارش عامیانه) و اعتناءِ بیشتر مردم به درک معنی از طریق متوجه شدن به نظم جملات (مسند و مسندالیه و متعلقات آنها)، سد بزرگیست در راه معیاری ساختن زبان نوشتار در افغانستان. معیاری ساختن زبان گفتار نیز به خاطری میسر نمی باشد که در هر زبان لهجه های متفاوت وجود دارد.

بطور مثال لهجه های معروف و متفاوت زبانهای دری و پشتو ازین قرار اند:
لهجهء هراتی- لهجهء بدخشی – لهجهء مزاری – لهجهء کابلی- لهجهء لوگری - لهجهء سرخرودی ننگرهار- لهجهء لغمانی – لهجهء پنجشیری. لهجهء دری کابلی که پنجاه سال پیش از اصالت زبان دری در افغانستان نمایندگی میکرد، ولی در اثر مداخلات ایران و صدور کلمات و اصطلاحات فارسی مروج در ایران به افغانستان، اصالت خود را روز تا روز از دست داده میرود. لهجه های عمدهٔ زبان پشتو: لهجهء قندهار، لهجهء پکتیا، لهجهء پکتیکا و وردک، لهجهء ننگرهار، لهجهء لوگر، لهجهء یوسفزی در پشاور- هر کدام این لهجه ها شعبات فرعی متعدد دارد. در دره های نورستان شش نوع زبان ثبت شده است.
از آنجای که "معیاری ساختن زبان نوشتار" از طریق اصلاحات در زبان گفتار میسر شده میتواند، در کشوری مانند افغانستان که بیسوادی ۷۰% است، اولتر باید به اصلاحات لهجه ها پرداخته شود و اینکار شاید چند قرن را در بر بگیرد !

رسم الخط (الفبا های) زبانهای دری و پشتو از اصالت زبان گفتار نمایندگی نمیتوانند، در شکل نوشتار هر دو زبان واول ها (فتحه، کسره، ضمه) هنوز عرض وجود نکرده، معهذا افغانها به قدرت کرامات آنها را درست میخوانند – در حالیکه یکعده جوانهای دری زبان، کم سواد و نو به دولت رسیده، مؤظف در مطبوعات و تلویزیونها میخواهند کلمات بسیار غنیمت زبان عربی را که از ۱۳۰۰ سال به اینطرف جزء زبان دری شده، آنها را متروک قرار داده و کلمات نو فارسی ایرانی را جانشین آنها سازند – یکعده نویسندگان پشتو زبان ما نیز کلمات عربی (یعنی) را (یانی) و (معنی) را(مانا) مینویسند.

این نوع نگارش جنبهٔ تربیتی و آموزشی زبان پشتو را برای دری زبانها مشکلتر میسازد. در سابق مضمونی بنام (نگارش) در پوهنځی ادبیات تدریس میشد و استادان ماهر آن پوهنځی یک سلسله قواعد و ضوابط را به منظور منسجم نگهداشتن نگارش رسمی زبان دری سفارش میکردند- مضمون نگارش ابتداء در صنوف چهارم و بعدا در صنوف سوم و چهارم تدریس میشد و من در آخرین سال قبل از آمدن غرض تحصیل به امریکا، یک سمستر(شش ماه) در صنف سوم دیپارتمنت دری مضمون نگارش را تدریس کرده ام. البته بعدا در امریکا نیز مضمون نگارش را خواندم، اما قواعد و ضوابط نگارش در زبان انگلیسی با آن زبان دری فرق فاحش دارد-

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ

درحال حاضر هرگونه سعی از جانب افغانها برای معیاری ساختن سیستم نگارش زبانهای دری و پشتو به اساس تقلید از معیار های نگارش غربی (انگلیسی، فرانسوی، جرمنی) بیهوده خواهد بود.

هدف عمدهٔ مضمون نگارش در پوهنځی ادبیات این بود تا نگارش زبان دری از نفوذ فرهنگی زبان عربی بتدریج برون شود، مثلاً به محصلین (که آنها بعدا در لیسه ها معلم زبان و ادبیات مقرر می شدند) گفته میشد که اصوات تنوین و همزه از خصوصیات زبان عربی بوده، رعایت آنها در نگارش زبان دری لازم نیست: ابداً، اکثراً، عملاً و قطعاً باید بدون علامهء تنوین، یعنی ابدا، اکثرا، عملا و قطعا نوشته شود، در زبان دری صوت (هه) وجود دارد که اکثراً در آخر کلمات واقع میشود: خانه، کتابچه، دسته، جمله، رفته، خورده - هرگاه (هه) در آخر کلمات به مفهوم (نکره) واقع شود، باید (ای) اضافه شود، مثلا: خانه ای، کتابچه ای، دسته ای، جمله ای- هرگاه (هه) به حیث کسرهٔ وصل کننده واقع شده باشد، باید علامهء کسره (ء) اضافه شود، مثلا: خانهٔ، کتابچهٔ، دستهٔ، جملهٔ - هرگاه (هه) در آخر صیغهٔ ماضی مطلق افعال واقع شود (رفته)، (خورده)، یا به شخص مخاطب تعلق میگیرد، مثلا: (رفته ای)، (خورده ای) و یا به زمان ماضی بعید تعلق میگیرد، مثلا: (رفته بود)، (خورده بود). علاوتاً نمونه هایی از نگارش متون قدیم دری و هم از مکتبهای ادبی عراق، خراسان و هند، نمونه های از شکسپیر، تولستوی و تاگور (بشکل ترجمه)، سبکهای ادبی و فرق بین سلیقه و سبک و نمونه های از سبک زبان معاصر دری، و نیز اصول تنقیط و تشخیص بین فقره، جمله و عبارت درین صنف تدریس میشد. سبک نگارش من درین مقاله همانست که من خوانده و تدریس کرده بودم.

اما اکنون نگارش در وبسایت های برون افغانستان آزاد است، هر افغان سلیقهٔ خاص خود را دارد و اکثر نویسندگان حاضر به قبول قواعد اکادمیک نیستند. رویهمرفته از تمام این نوشته ها سهولت در کسب معانی و اصالت و پایداری زبان گفتار دری مشهود است.
اماء اصرار بالای اینکه دری زبانها تنوین و همزهٔ عربی را در نگارش دری رعایت کنند، و یا در مقاله ای خواندم که یک دانشمند افغان تنوین عربی را با ایزاد (ن) در آخر کلمه، مثلا (قطعن، فعلن، اکثرن ...) و علامهء کسرهٔ وصل کننده را (برشته ی، حوزه ی، قلعه ی، بهانه ی، نتیجه ی ...) نوشته - این نوع نوآوری های نسل جوان افغان را که در مهاجرت به سر می برند، بیشتر بی سواد میسازد. دانشمند موصوف که در قطار نویسندگان خوب قرار دارند، کلمهٔ منحوس ایرانی (چالش) را نیز استعمال کرده اند.

علت دیگری که نمیتوان زبان نوشتار دری و پشتو را معیاری ساخت مداخلات و نفوذ روز افزون کشور های همسایه است. زبان پشتو تحت تاثیر کلمات و اصطلاحات جدید ساخت پوهنتون پشاور واقع شده، سبک نگارش یکعده پشتونها نیز تحت تأثیر سبک پشتوی یوسفزی قرار گرفته است. حکومت ایران رسما و علناً با اعمال نفوذ مصروف بوده، اجنت هایی به داخل حکومت افغانستان داشته و دارد که اهداف ایران را تطبیق میکرده اند. آقای سید مخدوم رهین که در اواخر دههٔ ٦٠ م بحیث استاد در پوهنځیٔ ادبیات شامل شد، هم به لهجهء ایرانی تلفظ میکرد، هم طرز تفکر ایرانی داشت و هم از مدعیات ایران به ارتباط قدامت و اصالت زبان فارسی (نه دری) دفاع میکرد و تا امروز در خدمت مقاصد ایران قرار داشته، همه کلمات و اصطلاحات فارسی ایرانی به اجازهٔ او داخل افغانستان شده اند.

تصور کنید در مملکتی که در تشکیلات اساسی خود (وزارت سرحدات) و (وزارت زراعت) داشته باشد، اما مطبوعات و میدیای این کشور از ١٢ سال به اینطرف (مرز) و (کشاورزی) میگویند و می نویسند، هرگز کسی نشنیده که وزیر های زراعت و سرحدات اعتراضی ازین بابت نشر کرده باشند، زیرا گل روی رهین در پیش روی شان قرار دارد، و وزراء در بین خود همکاری و داد و ستد دارند. بنابر آن نام وزارت های زراعت و سرحدات فقط در لوحه بالای هر وزارت برای نمود نصب است! تلویزیون طلوع با چند تا جوانک زبانباز و کم سواد خود که از ایران معاش میگیرند، (تولیدات زراعتی) را (فرآورده های کشاورزی) و (طرزالعمل) را (کار شیوه) ساخته، ترکیباتی از قبیل (واژه) و (چالش) هر روز صدها بار در چینل ها و مطبوعات تکرار می شوند. تا حال کسی از رهین نپرسیده که وظیفهٔ تو به حیث وزیر فرهنگ چیست؟ و اگر کسی هم بپرسد، جواب او این خواهد بود که "من مانع آزادی بیان شده نمیتوانم..." آقای رهین کلمهٔ ایرانی (چالش) را آنقدر پرورش داد که

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

اکنون در زبان و دماغ بی سوا، کم سواد، ژورنالیست، عسکر، سیاستمدار و دانشمند افغان ریشه دوانده، بدون آنکه کسی بپرسد این کلمه از کجا آمده و چه معنی دارد، مردم) را تشریح میکنم:

چالش کلمۀ جدید و ساخت ایرانست که ۱۳ سال قبل بمعنی (مشکل) در ایران وجود نداشت و مرکب از دو جزء میباشد: (چال) +(- اش). (چال) ریشۀ سانسکرت داشته، صدها سال قبل از طریق زبان اردو به زبانهای دری و پشتو راه یافته، از مراحل سه گانۀ (مقبولیت، تابعیت و اصالت که بالای پروسۀ وام گیری تطبیق میشود)، گذشته و بمعنی "فریب و نیرنگ" جزء زبان دری شده- در زبان دری اصطلاحات (چالاک) و (چالباز) از همین کلمه ساخته شده و از قرنها به اینطرف مروج میباشد. در میدان قطعه بازی فلاش در افغانستان، کلمۀ چال توسط هریک بازیگر شامل میدان استعمال میشود که معنی آن همانا (نیرنگ) میباشد. معانی دیگر کلمۀ (چال) در افغانستان در مقالهء قبلی من تحت عنوان (کچری قروت افغانستان) تشریح و در وبسایت های (تول افغانستان) و (دعوت) نشر شده است.

کلمۀ (چال) از افغانستان و هندوستان به ایران نرفته و بمعنی که در هندوستان و افغانستان رایج بوده در ایران رایج و مفهوم نبوده، قاموس های ایرانی این کلمه را بمعنی گودال و نوعی پرندگان درج کرده اند- در فرهنگ عمید (چال – چاله) بمعنی گود، گودال درج شده، (چال) بمعنی مرغابی، غاز، کبک درج شده (چالاک) از طریق زبان دری به ایران رفته و با تفاوت معنی در قاموس ایران درج است، بمعنی چست و چالاک، جلد، زرنگ، جای بلند، (چالش) در قاموس ایران بمعنی ناز و خرام، رفتار آزروی کبر و غرور و نخوت درج شده، هکذا بمعنی جنگ و جدال و جولان و حمله همه بکار رفته است. (نگاه: فرهنک حسن عمید، صفحه ۳۷۲).

ادامۀ مطلب را در بخش دوم این مقاله مطالعه فرمائید

ادامه دارد.....

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ